

# ایبوست هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم  
بهمین واسفند ۱۴۰۳  
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و  
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰



آخر یکی از مُسَلِّمانان چراغی قُرا راهِ مَن دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |  
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |  
آینه های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟  
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت های لغوی و ادبی (۳) |  
متنی دیگر از سنیان دوازده امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه  
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان شناسی هندی | طومار (۹) |  
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علی مع الحق» از عبقات الأنوار |  
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می گفتم  
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جويا جهان بخش | مجيد حليسه  
رسول جعفریان | حيدر عبوضي  
محمد سوري | مسعود راستي پور  
اميد حسيني نژاد | آريا طيب زاده  
میلاد بيگدلو | احمد رضا قائم  
مقامی | علی زاد | حميد عطائي  
نظري | علی بوزري | سيد علي  
ميرافضلي | مرتضی علی زاده نجار |  
خليل حسيني عطار | علی ایمانی  
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سيد  
محمد حسين حکيم

جامع لعلوم القرآن، تفسیر آبي الحسن الرماني  
روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری  
ایبوست آینه پژوهش

## اشارات و تنبیہات (۷)

۱. «پوشش لباسهای پدري» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامي!
۲. الحدود و الحقایق شیخ طوسی یا قاضی صاعد آبی؟
۳. مَنَواي در پاریس!

استاديار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي | h.ataee@isca.ac.ir | حميد عطائي نظري

| ۲۶۹ - ۲۸۲ |

۲۶۹

آينه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چکیده: سلسله مقالاتی که زیر عنوان «اشارات و تنبیہات» منتشر می‌شود، مجاللی است برای طرح و تحریر جستارهای گونه‌گون انتقادی و کتابگزارانه و تراث پژوهانه که هر یک از آن جستارها، نوشتاری است کوتاه و مستقل در باب موضوعی مشخص و ممتاز. بخش هفتم از این مقالات مشتمل است بر سه نوشته انتقادی دربارهٔ مداخلی از دانشنامه جهان اسلام و دایرةالمعارف بزرگ اسلامي. در دو یادداشت نخست، برخی از نادرستی‌ها و کاستی‌ها در سه مدخل از دایرةالمعارف بزرگ اسلامي یادآوری شده است و در مقاله سوم، به تکرار یک عبارت مغلوپ و مغشوش در دو دانشنامه جهان اسلام و دانشنامه زبان و ادب فارسی و لزوم اصلاح آن اشارت رفته است.

کلیدواژه‌ها: رکن‌الدین محمد بن علی جرجانی، رسالهٔ فضول، عبدالرؤف مَنَواي، حدود و تعریفات، التوقیف علی مهمات التعاریف، التعریفات، الحدود و الحقایق، دایرةالمعارف بزرگ اسلامي، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه زبان و ادب فارسی.

*Ishārāt wa Tanbīhāt (7)*

Hamid Atee Nazari

**Abstract:** The series of articles published under the title “Ishārāt wa Tanbīhāt” is an opportunity to present various critical, bibliographic, and historical research essays, each of which serves as a brief and independent essay on a specific and distinguished topic. This seventh installment includes three critical articles on entries found in the *Encyclopaedia of the World of Islam* and *The Great Islamic Encyclopedia*. The first two notes highlight some inaccuracies and deficiencies in three entries from *The Great Islamic Encyclopedia*, while the third article addresses the same corrupted phrase in both the *Encyclopaedia of the World of Islam* and the *Encyclopaedia of Persian Language and Literature*, emphasizing the need for correction.

**Keywords:** Rukn al-Dīn Muḥammad ibn ‘Alī Jurjānī, *Risālat al-Fuṣūl*, ‘Abd al-Ra’ūf Munāwī, *Hudūd wa Ta’rīfāt*, *al-Tawqīf ‘alā Mubimmāt al-Ta’arīf*, *al-Ta’arīf*, *al-Hudūd wa al-Ḥaqā’iq*, *The Great Islamic Encyclopedia*, *Encyclopaedia of the World of Islam*, *Encyclopedia of Persian Language and Literature*.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. «پوشش لباسهای پدری» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی!

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در شمار بهترین آثار مرجعی است که در دوره معاصر در زمینه علوم و موضوعات مختلف اسلامی نگاشته شده و می‌توان انتشار آن را مایه مفاخرت و مباهات دانشوران ایران دانست. بسیاری از مقالات این دانشنامه ارزنده به قلم استادان ناموری نوشته شده که اهتمام چشمگیری در نگارش محققانه و متبّعانه مداخل آن نموده‌اند و ثمره تحقیقات آنان تا سال‌های دور همچنان مأخذ ارزشمندی خواهد بود برای کسب آگاهی در باب موضوعات مختلف ایرانی و اسلامی. با این وصف، کیفیت مقالات این دائرةالمعارف فراز و فرود بسیار دارد و در حالی که شماری از آنها دانشورانه و ژرف‌کاوانه تحریر یافته است، بعضی دیگر ضعیف و سطحی و دور از انتظار نگاشته شده و در آنها سهو و خطاهایی صورت گرفته که حتماً نیازمند بازنگری و اصلاح است. در این نوشتار، به اختصار، برخی از اغلاط در دو مداخل از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی یادآوری می‌شود، به امید تصحیح آنها و تدقیق بیشتر در نگارش و نشر اینگونه مقالات.

۲۷۱

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

در مداخل «جرجانی، شمس‌الدین محمد بن علی حسینی» از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نوشته شده است که:

«... نجم‌الدین حبله‌رودی که شرحی دارد بر ارشاد الطالبین فاضل مقداد با نام التحقيق المبين في شرح نهج المسترشدين»<sup>۱</sup>. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اینجا نویسنده مداخل، کتاب التحقيق المبين في شرح نهج المسترشدين را شرحی بر ارشاد الطالبین مقداد بن عبدالله سُیوری حلی (د: ۸۲۶ ه.ق.) معرفی کرده است! این در حالی است که:

أولاً: التحقيق المبين في شرح نهج المسترشدين، چنانکه از نامش هویدا است، شرحی است بر کتاب نهج المسترشدين في أصول الدين علامه حلی (د: ۷۲۶ ه.ق.) و نه شرحی بر ارشاد الطالبین.

۱. ربیعی، سمیه، مداخل «جرجانی، شمس‌الدین محمد بن علی حسینی»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش.، ص ۷۰۸.

ثانیاً: نجم‌الدین خبَلرودی (از متکلمان امامی قرن نهم هجری) هیچ‌گاه شرحی بر اِرشاد الطالبینِ اِلی نهج‌المسْتَرشِدینِ فاضلِ مقدادِ نُنوشتِه بوده است.

همچنین، در مطالب مندرج در ذیل مدخل «جرجانی، رکن‌الدین محمد بن علی» از دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی نادرستی‌ها و کاستی‌های چشمگیری مشهود است که برخی از آنها از این قرار است:

(۱) نام یکی از شروح نگاشته‌شده بر رساله فصول خواجه نصیرالدین طوسی به صورتی نادرست ثبت شده است. عین عبارت چنین است:

«...مقداد بن عبدالله سیوری از متکلمان سده ۹ ق شرحی بر ترجمه جرجانی با عنوان الانوار الحلالیة فی شرح العضول النصیریة به نام جلال‌الدین حسینی آوی نگاشت»<sup>۱</sup>.

نام درست شرح معروف فاضل مقداد بر رساله فصول خواجه نصیر، چنانکه خود وی در مقدمه آن تصریح نموده، عبارتست از: «الأنوار الجلالیة للفصول النصیریة».

روشن است که درج «الحلالیة» بجای «الجلالیة» و «العضول» بجای «الفصول» به احتمال زیاد خطایی است حروف نگاشتی؛ اما مسأله دقیقاً همین است که چرا این قبیل اغلاط آشکار و پیش‌پافتاده، در هنگام نگارش و خوانش نهایی متن مقاله شناسایی و اصلاح نشده است و به همان حالت نادرست به چاپ رسیده؟ اگر در مراحل تألیف و ارزیابی و بازخوانی مقاله "دقت و ریزنگری لازم" صورت گرفته بود و نویسنده و ارزیاب و ویراستار این مدخل به وقت بازبینی آن لحظه‌ای از خود پرسیده بودند: «الحلالیة» و «العضول» در نام کتاب مزبور چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ بی‌درنگ به وقوع این اشتباهات پی می‌بردند و هرگز چنین خطاهایی رخ نمی‌داد.

این نکته نیز گفتنی می‌نماید که کتاب الأنوار الجلالیة قریب به ده سال پیش از زمان چاپ این مدخل از دائرة‌المعارف منتشر شده بوده است<sup>۲</sup> و بنا بر قاعده، می‌بایست

۱. اسلامیت، اعظم، مدخل «جرجانی، رکن‌الدین محمد بن علی»، دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۷۰۸.  
۲. الشُّیُوری الحلی، و مقداد بن عبدالله، الأنوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة، تحقیق: علی حاجی‌آبادی و عباس جلالی‌نیا، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش.

بجای معرفی شماری از نسخه‌های این کتاب در مدخل مزبور، بدان چاپ ارجاع داده می‌شد، لیک به انتشار آن اشارتی نرفته است. به همین نحو، هنگام یادکرد از رساله فصول و برگردان عربی رکن‌الدین جرجانی (زنده در سال ۷۳۰ ه.ق.) از آن و حتی پس از نقل عبارتی از این برگردان، هیچ اشاره و ارجاعی به چاپ این دو اثر در بیش از پنجاه سال قبل (یعنی در سال ۱۳۳۵) نشده است.<sup>۱</sup> شایسته بود، پیش از چاپ مقاله، نسبت به روزآمد کردن ارجاعات آن اعتنا و اهتمامی صورت می‌گرفت و تا این اندازه آسان‌گیرانه و سطحی‌نگرانه به انتشار مقاله مورد بحث اقدام نمی‌شد.

۲) در موضع دیگری از مدخل مزبور این عبارات آمده است که: «جرجانی کتاب فصول نصیریة خواجه نصیرالدین طوسی را نیز ترجمه کرده است. نویسنده چنان که خود ذکر می‌کند، پس از فراغت از تألیف کتاب الابحاث به ترجمه آن پرداخته است. فصول کتاب مختصری در اصول عقاید است و جرجانی در ابتدای ترجمه پس از ستایش کتاب می‌گوید: «بر خود واجب دیدم کتاب را از پوشش لباسهای پدری‌اش درآورده، و آن را در کسوت لباسهای عربی جلوه‌گر سازم تا دانش‌پژوهان عرب نیز از آن بهره‌مند گردند» (کنتوری، ۱۱۸-۱۱۹).

دو اشکال در گفتاورد بالا وجود دارد:

نخست اینکه: ادعا شده جرجانی گفته است «پس از فراغت از تألیف کتاب الابحاث به ترجمه کتاب فصول پرداخته است»؛ در حالی که جرجانی مطلقاً چنین چیزی نگفته! نویسنده مدخل هیچ مأخذی برای این گفته منسوب به جرجانی معرفی نکرده است و معلوم نیست از کجا این سخن به جرجانی انتساب یافته. در مقدمه ترجمه جرجانی از رساله فصول این مطلب مذکور نیست و اساساً چنین ادعایی نادرست است؛ زیرا جرجانی قطعاً پیش از تألیف کتاب الابحاث فی تقویم الأحداث رساله فصول را تعریب کرده بوده است و نه پس از آن. در حقیقت، کتاب الابحاث یکی از آخرین نگاشته‌های جرجانی بوده که بنا بر تصریح خودش، تألیف آن را در سال ۷۲۸ هجری قمری به پایان برده است.<sup>۲</sup> اما ترجمه عربی فصول

۱. فصول خواجه طوسی و ترجمه تازی آن از رکن‌الدین محمد بن علی گرگانی استرآبادی، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، خردادماه ۱۳۳۵.

۲. الجرجانی (الاسترآبادی) الحلّی، محمد بن علی، الابحاث فی تقویم الأحداث، تحقیق: محمد رضا سیبویه الحائری، مرکز العلامة الحلّی لإحياء تراث حوزة الحلّة، صص ۱۷۸-۱۷۹.

به احتمال قریب به یقین چندین سال قبل از این تاریخ و پیش از تعریب أوصاف الأشراف - که در مقدمه آن از برگردان‌های عربی خودش از برخی از آثار خواجه نصیر از جمله فصول یاد کرده است<sup>۱</sup> - به انجام رسیده بوده.

دوم آنکه: در نقل و ترجمه سخن جرجانی در مقدمه تعریب فصول خطایی صورت گرفته است. ابتدا عین عبارت جرجانی را ملاحظه فرمایید: «فَرَأَيْتُ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْ أُجَرِّدَهَا عَنْ ثِيَابِ أَلْفَاظِهَا الْأَيِّتِ، وَأُحَلِّيَهَا بِكَسْوَةِ الْكَلِمَاتِ الْعَرَبِيَّةِ لِيَعَمَّ طَلِبَةَ الْعَرَبِ نَفْعُهَا».

نویسنده مدخل مورد بحث، عبارت «فَرَأَيْتُ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْ أُجَرِّدَهَا عَنْ ثِيَابِ أَلْفَاظِهَا الْأَيِّتِ» را ترجمه کرده است به: «بر خود واجب دیدم کتاب را از پوشش لباسهای پدری اش درآورده!»

آیا عبارت «پوشش لباسهای پدری اش» غریب نمی‌نماید؟ نویسنده، ترکیب «أَلْفَاظِهَا الْأَيِّتِ» که به معنای «الفاظ دشوار و نامفهوم (برای عرب زبانها)» است را به «لباسهای پدری» ترجمه کرده است و احتمالاً گمان برده «الأيّة» که به مفهوم «دشوار و اباکننده و فهم‌ناپذیر (ممتنع الفهم)» است ربطی به «أب» و پدر دارد!

از این گذشته، در پایان گفتاورد یادشده از ترجمه فصول جرجانی، ارجاعی به کتاب کشف الحُجُبِ وَالْأَسْتَارِ سَيِّدِ اعْجَازِ حَسَنِ كَنْتَوْرِي داده شده است که خواننده طبعاً گمان می‌کند مأخذ نقل سخن جرجانی است؛ حال آنکه در این کتاب چنین عبارتی از او منقول نیست و اصلاً مشخص نیست این ارجاع به چه دلیل و ناظر به کدام مطلب درج شده است؟

۳) یکی از کاستی‌های مدخل مورد گفت وگو، نام نبردن از شماری از مکتوبات مهم جرجانی است. برای نمونه، در بحث از آثار او هیچ اشاره‌ای به کتاب کلامی مهم وی به نام إشراف اللاهوت فی شرح الياقوت نشده است.<sup>۲</sup> نیز از میراث ادبی جرجانی به ویژه

۱. أوصاف الأشراف، تألیف: الخواجه نصیرالدین الطوسی، تعریب محمد بن علی الجرجانی الحسینی الحلّی الغروی، تحقیق: محمد سعید الطریحی، چاپ شده در: مجلّة الموسّم، العددان ۵۷-۵۸، السنة ۱۶، ۱۴۲۷ هـ.ق. / ۲۰۰۵ م.، ص ۳۰۸.  
 ۲. چاپ عکسی این کتاب با مشخصات زیر منتشر شده است: «إشراف اللاهوت (در شرح کتاب الياقوت)» با مقدمه استاد حسن انصاری، چاپ شده در: بَشْرَى، جواد، متون ایرانی، دفتر چهارم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۷ ه.ش. صص ۱۰۹۵-۱۲۶۰. ویراستی از این اثر نیز به تازگی نشر یافته است با این مشخصات: جرجانی، محمد بن علی، إشراف اللاهوت فی شرح کتاب الياقوت، تصحیح و تحقیق: علی اوجبی، میراث مکتوب، تهران، ۱۴۰۳.

نگاشته ممتاز وی در علم بلاغت به نام الإشارات فی علم البلاغة (که تاکنون چند مرتبه به طبع رسیده است) و دو شرح ممتّع و حائز اهمّیت وی در علم نحو به نام سرائر العربیة فی شرح الوافیة الحاجبیة و المباحث العربیة فی شرح الکافیة الحاجبیة (که این هر دو نیز به تازگی انتشار یافته) اصلاً سخن به میان نیامده است. محتاج به گفتن نیست که در یک مقاله دائرةالمعارفی درباره یک شخصیت علمی که بناست تصویری جامع از آن فرد ارائه شود، پرداختن به وجوه و آثار علمی گوناگون وی ضرورت دارد تا خوانندگان با ابعاد مختلف شخصیت او آشنا شوند.

متأسفانه از این دست مُسامحت‌ها و نادرستی‌ها و کاستی‌ها باز هم در سایر مداخل دائرةالمعارف بزرگ اسلامی دیده می‌شود و همین امر لزوم اهتمام تامّ و عنایت افزون‌تر ویراستاران علمی این اثر سترگ و ارزشمند را نسبت به صحت و دقت مطالب فراهم‌آمده برای انتشار در آن فریاد می‌آورد. خطاهای فاحشی نظیر آنچه یاد شد، شوربختانه، در مکتوبات و منشورات امروزی ما فراوان است و در بسیاری از موارد اساساً ارزش تذکار و هشدار ندارد؛ ولی بروز چنین سهوهایی در اثر مرجعی چون دائرةالمعارف بزرگ اسلامی که قرار است کاری ماندگار در عرصه علمی کشور باشد، به گمان راقم این سطور، به هیچ روی، قابل تحمّل و تغافل و نادیده‌انگاشتن نیست. به‌ویژه اکنون که این دائرةالمعارف در حال ترجمه به زبان‌های عربی و انگلیسی و قرار گرفتن در معرض دید و داوری محققان خارجی است، شایسته است با تجدید نظر و اعمال اصلاحات لازم در مداخل انتشار یافته، مقالاتی استوارتر و با قوت و دقت بیشتر به جامعه علمی جهانی عرضه شود.

\*\*\*

## ۲. الحدود و الحقایق شیخ طوسی یا قاضی صاعد آبی؟

در مدخل «حدود و تعریفات» از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی<sup>۱</sup> نکاتی مجال طرح یافته است که درخور اصلاح و بازنگری به نظر می‌رسد. برخی از این موارد در این نوشتار، به اختصار، بازنموده می‌شود.

۱. تاره، مسعود، مدخل «حدود و تعریفات»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۰، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش.، صص ۲۱۰-۲۱۴.



۱) نویسنده مدخل به اشتباه رساله‌ای زیر نام «الحدود و الحقایق» را به شیخ طوسی نسبت داده است و سپس به نادرست آن را با رساله‌ی الحدود و الحقایق قاضی صاعد بریدی یکی دانسته است. عین عبارت مذکور در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی از این قرار است:

«از شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م) نیز آثاری در تعریف نویسی اصطلاحات کلامی و فقهی برجای مانده است. از جمله این آثار رساله‌ای به نام الحدود و الحقایق است که محمدتقی دانش‌پژوه آن را منتشر کرده است. یادآوری این نکته لازم است که این رساله با همین محتوا و عنوان در ۱۹۷۰ م با عنوان الحدود و الحقایق به نام قاضی اشرف‌الدین صاعد بریدی آبی، از مشایخ منتجب‌الدین ابن بابویه، در بغداد به چاپ رسیده است.»<sup>۱</sup>

در همین چند سطر چند خطا مشهود است:

نخست آنکه: در عبارات پیشگفته رساله‌ای با نام الحدود و الحقایق به شیخ طوسی انتساب یافته است، در حالی که وی اصلاً اثری با این نام تألیف نکرده بوده است و هیچ رساله‌ای هم با این عنوان از شیخ منتشر نشده است. مدخل‌نگار گرامی برای متن این رساله چنین ارجاعی ثبت کرده است: «برای متن رساله شیخ طوسی نک: دانش پژوه، «چهار...»، ۲۱۹ به بعد»، اما وقتی به این مأخذ، یعنی چهار فرهنگنامه کلامی از شیخ طوسی و دیگران رجوع می‌کنیم، اثری از رساله شیخ طوسی با نام الحدود و الحقایق نیست و بجای آن با رساله الحدود و الحقایق قاضی صاعد بریدی آبی مواجه می‌شویم. در واقع، مدخل‌نویس محترم گمان کرده شیخ طوسی رساله‌ای با نام الحدود و الحقایق داشته که دو بار به اشتباه به نام قاضی صاعد بریدی آبی منتشر شده است! اما معلوم نیست وی بر چه اساسی و به چه دلیلی این ادعای باطل را مطرح نموده؟! از باب توضیح و اوضحات باید گفت: رساله موسوم به الحدود و الحقایق (الحدود و الحقایق فی شرح الألفاظ المصطلحة بین المتکلمین من الإمامیة) که دو مرتبه، یکبار به تصحیح حسین علی محفوظ و بار دیگر به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، به چاپ رسیده است<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۲۱۳.

۲. صاعد بریدی آبی، صاعد بن ابی منصور، الحدود و الحقایق، ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی از شیخ طوسی و دیگران»، گردآوری و تصحیح: محمدتقی دانش‌پژوه، صص ۲۱۸-۲۳۵ چاپ شده در: الذکری الألفیة للشیخ الطوسی، ج ۲، دانشگاه [فردوسی] مشهد، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی، صص ۱۴۱-۲۴۰؛ القاضی اشرف‌الدین صاعد

و در هر دو چاپ نیز بر اساس آنچه در دست نویس های این رساله آمده، تألیف آن به قاضی اشرف الدین صاعد بن محمد بن صاعد بریدی آبی (از دانشمندان امامی قرن ششم هجری) انتساب یافته، هیچ ربطی به شیخ طوسی ندارد و نگاشته خود قاضی صاعد بریدی است.

دیگر آنکه: ادعا شده «قاضی اشرف الدین صاعد بریدی آبی، از مشایخ منتجب الدین ابن بابویه بوده است» اما برای این مدعا هیچ مأخذ و مرجعی ارائه نشده است. از اساس، صحت چنین ادعایی نیز بعید به نظر می رسد؛ زیرا منتجب الدین رازی هنگامی که در کتاب الفهرست خویش از قاضی صاعد یاد کرده است،<sup>۱</sup> هیچ اشارتی به این نکته نکرده که وی از مشایخ و استادانش بوده است. همچنین، در فهرستی هم که از مشایخ منتجب الدین رازی ارائه گردیده و در آن اسامی ۱۶۵ نفر از مشایخ او ثبت شده است، نام قاضی صاعد نیامده است.<sup>۲</sup>

(۲) در مدخل مورد بحث، درباره رساله فیلسوف نامور عرب، یعقوب بن اسحاق کندی موسوم به رساله فی حدود الأشياء و رسومها گفته شده است که:

«این رساله را اندکی پس از مرگ کندی، ابوحنان توحیدی در مقابسه ۹۱ از کتاب المقابسات (ص ۳۵۵ به بعد) با اندک تغییراتی در ترتیب اصطلاحات و برخی اضافات و بدون ذکر نام کندی نقل کرده است.»<sup>۳</sup>

آنچه از عبارت پیشگفته به ذهن متبادر می شود این است که: «ابوحنان توحیدی کل رساله کندی را "با اندک تغییراتی در ترتیب اصطلاحات و برخی اضافات" در کتاب المقابسات درج کرده است»؛ یعنی به لحاظ منطقی، نسبت بین آنچه در رساله کندی

البریدی الآبی، صاعد بن ابی منصور، الحدود والحقائق، تحقیق: حسین علی محفوظ، مطبعة الإسلام، قم (أفست طبع مطبعة المعارف بغداد، ۱۹۷۰ م.).

۱. نگرید به: ابن بابویه رازی، شیخ منتجب الدین علی، الفهرست، تحقیق: دکتر سید جلال الدین محدث ارموی، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ ش.، ص ۷۲.

۲. نگرید به: همو، کتاب الأربعین عن الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين (ع)، لجنة التحقيق فی مكتبة العلامة المجلسی، قم، مكتبة العلامة المجلسی، ۱۴۳۴ ق.، صص ۳۰-۵۵ (قائمة أسماء مشایخ الشیخ منتجب الدین الرازی).

۳. تاره، مسعود، مدخل «حدود و تعریفات»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۱۱.

آمده است و اصطلاحاتی که در بخش ۹۱ از کتاب المقابسات ذکر شده، «عموم و خصوص مطلق» است و تمام اصطلاحات و تعاریفی که در رساله کندی وجود داشته، در بخش مزبور از المقابسات نیز بازگو شده است. اما توصیف یادشده درست و دقیق نیست؛ زیرا مقایسه اصطلاحات و تعریف‌هایی که در این دو اثر آمده نمودار آن است که نسبت میان آنها در حقیقت، «عموم و خصوص من وجه» است، یعنی در عین حال که «بسیاری» از اصطلاحات و تعاریف مذکور در رساله کندی، در کتاب المقابسات نیز تکرار شده است، «شمار چشمگیری» از اصطلاحاتی که در رساله کندی تعریف شده است، اصلاً در آن بخش از المقابسات منقول نیست. از این گذشته، در برخی موارد، تعریف‌هایی که در المقابسات برای بعضی از اصطلاحات مشترک میان این دو اثر بیان شده است، با تعریف همان اصطلاحات در رساله کندی متفاوت است. به علاوه، این هم که گفته شده اصطلاحات مندرج در رساله کندی با «اندک تغییراتی در ترتیب اصطلاحات» در المقابسات بازگو شده، توصیف دقیقی نیست؛ زیرا ترتیب ذکر اصطلاحات در این دو اثر تفاوت بسیاری دارد، و تغییر در ترتیب آنها به هیچ وجه «اندک» محسوب نمی‌شود. بنابراین، آنچه در المقابسات آمده است صرفاً بازنویسی رساله کندی با برخی اضافات نیست و در واقع، این دو رساله حدود، دو نگاهشده متمایز از هم باید قلمداد شود.

۳) نویسنده محترم مدخل «حدود و تعریفات» در نگاهشده خود به شماری از آثار مهمی که در زمینه «اصطلاح‌نامه نویسی» نوشته شده است اشاره نموده اما از چند رساله و کتاب معروف و واجد اهمیت در این موضوع هیچ یاد نکرده است. برای نمونه شایسته بود آثار درخور توجهی چون: الکلیات نوشته ابوالبقاء حسینی کفوی (د: ۱۰۹۴ ه.ق.)، جامع العلوم (دستور العلماء) از عبدالنبی احمدنگری (اتمام تألیف در ۱۱۷۳ ه.ق.)، کتاب الحدود الکلامیة والفقهیة علی رأی أهل السنّة الأشعریة نگاهشده ابوبکر محمد بن سابق الصّقلی (د: ۴۹۳ ه.ق.)، کتاب الحدود فی الأصول (الحدود و المواضع) نوشته ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی اشعری (د: ۴۰۶ ه.ق.)، رساله الحدود فی الأصول از سلیمان بن خلف باجی (د: ۴۷۴ ه.ق.)، الحدود الأنیقة و التعریفات الدقیقة تألیف قاضی شیخ زکریا بن محمد انصاری (د: ۹۲۶ ه.ق.)، کتاب أعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، نگاهشده محمد بن علی بن شهر آشوب (د: ۵۸۸ ه.ق) که مفصل‌ترین

اصطلاح‌نامه کلامی شناخته‌شده به قلم یکی از متکلمان امامی است، نیز معرفی و بررسی می‌شد.

۴) نام نویسنده کتاب التوقیف علی مهمّات التعاریف به نادرست «محمد بن عبدالرئوف مُناوی» ثبت شده است<sup>۱</sup>، حال آنکه ضبط درست نام وی عبارتست از: «محمد عبدالرئوف مُناوی».

گذشته از ایرادات و کاستی‌های پیشگفته، اغلاط دیگری نیز در مدخل نامبرده وجود دارد که در مجال دیگری باید بدانها پرداخت. ذکر این سهوها و سهل‌انگاری‌ها تنها به قصد تأکید بیشتر بر ضرورت تحقیق و تدقیق افزونتر در نگارش و سنجش و نشر این‌گونه مقالات در اثر مرجعی چون دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است و نیز جلب توجه خوانندگان این قبیل آثار به رعایت جانب احتیاط در قبول و نقل مطالبی که در آنها منتشر شده.

۲۷۹

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

\*\*\*

### ۳. مُناوی در پاریس!

عبدالرئوف مُناوی (۱۰۳۱-۹۵۲ ه.ق.) محدّث و فقیه و ادیب شهیر مصری، نویسنده کتابی ارجمند است در شرح اصطلاحات متداول در علوم اسلامی به نام التوقیف علی مهمّات التعاریف.<sup>۲</sup> او در این کتاب با بهره‌گیری از آثاری چون معجم معروف میر سید شریف جرجانی (د: ۸۱۶ ه.ق.) در تعریف مصطلحات علوم دینی با عنوان التعریفات و نیز کتاب نفیس مفردات ألفاظ القرآن از راغب اصفهانی (زنده در: ۴۰۹ ه.ق.) به شرح و تعریف حدود سه هزار اصطلاح رایج در علوم مختلف اسلامی پرداخته است. بنابراین، کتاب التعریفات جرجانی یکی از منابع اصلی مُناوی در تألیف کتاب التوقیف علی مهمّات التعاریف بوده است.

۱. تاره، مسعود، مدخل «حدود و تعریفات»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۰، ص ۲۱۳.

۲. این کتاب با مشخصات زیر منتشر شده است: المُناوی، عبدالرئوف، التوقیف علی مهمّات التعاریف، تحقیق: عبدالحمید صالح حمدان، عالم الکتب، القاهرة، ۱۴۱۰ ه / ۱۹۹۰ م.

اینک عباراتی از دانشنامه جهان اسلام را درباره این دو کتاب ملاحظه فرمایید:

التعريفات بارها چاپ شده است. گوستاو فلوگل نخستین بار آن را در ۱۲۶۱/۱۸۴۵ به انضمام اصطلاحات الصوفية ابن عربی در لایپزیگ چاپ کرد (زیدان، ج ۳، ص ۲۳۶؛ سرکیس، ج ۱ ستون ۶۷۸-۶۷۹). همچنین، مناوی آن را با عنوان التوقيف علی مهمات التعريف در پاریس چاپ کرد (زیدان، همانجا؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۴۲۲).<sup>۱</sup>

نظیر همین عبارات در دانشنامه زبان و ادب فارسی هم بازگو شده است:

نخستین بار گوستاو فلوگل، مستشرق آلمانی، التعريفات را در ۱۲۶۱ ق / ۱۸۴۵ م به انضمام رساله اصطلاحات الصوفية محیی الدین بن عربی در لایپزیگ چاپ کرد (زیدان، ج ۳، ص ۲۵۲؛ سرکیس، ج ۱، ستون ۶۷۸-۶۷۹). همچنین عبدالرؤف مناوی آن را با عنوان التوقيف علی مهمات التعريف در پاریس چاپ کرده است (زیدان، همانجا؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۴۲۲).<sup>۲</sup>

در گفتاوردهای بالا تصریح شده است که «عبدالرؤف مناوی کتاب التعريفات جرجانی را با عنوان التوقيف علی مهمات التعريف در پاریس چاپ کرده است!» در تصحیح این عبارت شگفت آور باید گفت:

۱) آشکارا کتاب التوقيف علی مهمات التعريف اثر متمایز و مستقلی است از کتاب التعريفات جرجانی و عین همان نیست. نویسنده التوقيف علی مهمات التعريف در نگارش اثر خود از کتاب التعريفات استفاده کرده است؛ ولی این امر طبعاً موجب یکسان انگاشتن این دو کتاب با هم نمی شود.

۲) عبدالرؤف مناوی عمر خویش را در قاهره گذرانده بوده است<sup>۳</sup> و هیچگاه در پاریس نبوده تا بتواند کتابی را حدود چهارصد سال پیش در آنجا چاپ کند.

۱. نوریخش، سیما، مدخل «التعريفات»، چاپ شده در: دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، زیر نظر: غلامعلی حدّاد عادل، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ ه.ق.، ص ۵۰۶.

۲. نوریخش، سیما، مدخل «التعريفات»، چاپ شده در: دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۲، به سرپرستی: اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۶ ه.ق.، ص ۳۶۹.

۳. الزکلی، خیرالدین، الأعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین)، ج ۸، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة السابعة عشرة، ۲۰۰۷ م، ج ۶، ص ۲۰۴.

۳) مُناوی نویسنده التّوقیف علی مهمّات التعاریف بوده و نه مصحّح یا طابع آن.  
۴) کتاب التّوقیف علی مهمّات التعاریف اصلاً در پاریس چاپ نشده است.

از خطاهای پیشگفته روشن می‌شود که مدخل‌نویس محترم، که بنابر قاعده می‌بایست در خصوص مدخل و موضوعی که می‌نگاشته است اطلاعات کافی می‌داشت، نه با مُناوی آشنا بوده و نه با کتابش یعنی التّوقیف علی مهمّات التعاریف.

ممکن است گمان برده شود که در منابعی که نویسنده مدخل به آنها ارجاع داده چنین مطالبی بیان شده است؛ لیک بررسی آن منابع، این احتمال و گمان را منتفی می‌سازد. در نخستین ارجاع، یعنی کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة نوشته جرجی زیدان گفته شده است که: «مناوی ذیلی برای کتاب التعریفات نوشته است به نام التّوقیف علی مهمّات التعریف که نسخه‌ای از آن در پاریس موجود است».<sup>۱</sup> به همین صورت، در کتاب کشف الظنون حاجی خلیفه نیز آن مطالب نادرست پیشگفته اصلاً نیامده است و در آن فقط به این نکته اشاره شده که «در موضوع تعریفات، مُناوی تألیفی لطیف داشته که آن را التّوقیف نامیده است».<sup>۲</sup> چنانکه ملاحظه شد، میان آنچه در این دو مأخذ ذکر شده است و برداشت نویسنده مدخل از آنها تفاوت بسیاری است و خطای وی در فهم سخنان نویسندگان آن منابع موجب بیان آن عبارات مغلوّط پیشگفته شده است.

آنچه مایه تأسف است این است که این عبارات مُشوّش و مغشوش نه در کتابی عادی، بلکه در دو دانشنامه معروف و معتبر این مملکت که زیر نظر ارزیابان معتمد و ویراستاران مجرب و محترم تدوین می‌شود، آمده است و وجود چنین عباراتی ظاهراً نمودار آن است که در مواردی، سخت‌گیری و باریک‌بینی کافی در بررسی مطالب آنها صورت نگرفته است. در واقع، خطای یادشده هرچند ممکن است جزئی و کم‌اهمیت به نظر رسد، اما یادکرد آن، دست‌کم از این جهت که نشان می‌دهد میزان دقت و مهارت بعضی از نویسندگان آثار علمی ما تا چه اندازه است، و گاهی چه مطالب بی‌ربط و

۱. وللتعریفات ذیل اسمه: "التّوقیف علی مهمّات التعریف" للمناوی الآتی ذکره. فی باریس. زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیة، دارالهلل، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲. «وفیه تألیف لطیف للمناوی سماه التّوقیف». حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ج ۱، ص ۴۲۲.

نادرستی در جامه تحقیقات علمی حتی در دانشنامه‌های مرجع ما بازنموده می‌شود، سودمند است و مایه انتباه.

باری، اینکه هر نویسنده‌ای ممکن است در پژوهش و نگارش خویش گاه دچار سهو و خطاهایی شود امری است طبیعی و غیر قابل انکار، و به همین جهت، افشاء و اعلام خطای هر نویسنده‌ای لازم و واجب نمی‌نماید. اما این نیز راست است که هر خطا و اشتباهی از هر نویسنده‌ای قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست. گاهی برخی از خبط و خطاها چندان فاضح و واضح است که ارتکاب آنها طبیعی به نظر نمی‌رسد و در این صورت، چاره‌ای نیست جز یادکرد آنها تا بلکه تذکار آن اشتباهات موجب اِمعان نظر و اِعمال دقّت افزون‌تر نویسندگان در کار پژوهش و نگارش شود.